

# انعکاس آیات و روایات در منظومه دفتر دل

## علامه حسن زاده آملی

### (مطالعه موردی پنج باب اول)

بی‌بی‌سادات رضی بهابادی<sup>۱</sup> (دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ا.س. تهران)  
عارفه داودی<sup>۲</sup> (کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء ع.ا.س. تهران)

#### چکیده

منظومه «دفتر دل»، یکی از آثار علامه حسن زاده آملی (در قرن معاصر)، حاوی اصول حقایق حکمی و عرفانی است. محور مطالب این دفتر، شرح اطوار وجودی دل و تقلبات انسان عارف و تطورات کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» است که در نوزده باب و نوزده موضوع به عدد حروف آن است. علامه معتقد است که: «قرآن و عرفان و برهان از یکدیگر جدایی ندارند و روایات، مرتبه نازل قرآن اند و نسبت قرآن کریم به احادیث مانند جان است نسبت به بدن». رفع شبهات در این زمینه از راه‌های گوناگونی امکان‌پذیر است. در این جستار، با روش توصیفی - تحلیلی، پس از عرضه پنج باب اول دفتر دل به قرآن کریم و روایات، انواع اثرپذیری آن واکاوی شد تا به عنوان قرینه‌ای باشد در وثاقت این مدعا. برای مبنا پرسش‌هایی مطرح است که «شیوه‌های تأثیرپذیری از آیات و روایات در پنج باب اول دفتر دل چگونه بوده و بیشترین اثرپذیری مربوط به چه نوع است؟ و هدف علامه از تضمین آیات و احادیث در دفتر دل چه بوده است؟» نتایج نشان می‌دهد، شیوه‌های اثرپذیری شامل: واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، تأویلی و تلمیحی است که بیشترین تأثیرپذیری، از نوع تلمیحی است؛ لکن علامه

۱. b.razi@alzahra.ac.ir

۲. advaf14@yahoo.com

به لحاظ زبانی، در گزاره‌ها، بیشتر از اقتباس بهره جسته است که از حیث دستوری عمدتاً نقش متممی دارند. از جمله انگیزه‌های ایشان نیز از تضمین (اقتباس) آیات و احادیث در کلام خود، جهت تفسیر و تأویل، نکته‌پردازی، تبرزک، توضیح، تعلیل، استشهاد، تحریض، تحذیر، تأکید و... در نتیجه اثرگذاری بیشتر بر مخاطب است که اغلب کارکرد ترکیبی دارد.

### ▲ کلیدواژگان

حسن حسن‌زاده آملی، قرآن و احادیث، دیوان اشعار، دفتر دل، گونه‌های اثرپذیری.

### ۱. مقدمه

پیشینه بهره‌گیری از آیات و احادیث در زبان فارسی به همان سال‌های آغازین ورود اسلام به ایران بازمی‌گردد. با ورود اسلام به کهن سرزمین ایران و استقبال مردم از این دین الهی، گرایش عام و خاص به یادگیری قرآن کریم که کلام پروردگار و دستورالعمل سعادت است، روزبه‌روز فزونی یافت و مردم به دلیل عشق وافر که به کلام الهی داشتند، سعی کردند تا آن را بیاموزند و در زندگی خود از جمله در گفتار و نوشتار از آن بهره‌گیرند. البته این بهره‌گیری از سوی شاعران و دبیران که قشر تحصیل‌کرده جامعه بودند و عالمان دین محسوب می‌شدند، به دلیل کاربرد آیات و احادیث در اشعار و نوشته‌هایشان پررنگ‌تر بود.

گسترش مجالس وعظ و پدید آمدن واعظان بزرگ که بیشتر، از عالمان بزرگ قرآن‌دان و حدیث‌دان بودند و سخنان خویش را بر محور آیات و روایات می‌پرداختند و چه بسا برای تنوع و دلپذیری، چاشنی‌ای از شعر و بیت نیز بدان می‌افزودند از یک سو و توجه گسترده مردم از سوی دیگر، راه بهره‌گیری از قرآن و حدیث را برای شاعران هموارتر ساخته بود (فروزان‌فر، ۱۳۷۰، ص «۵» مقدمه).

پاره‌ای از پدیده‌های فرهنگی که با شعر و ادب فارسی پیوند داشتند، اثرپذیری از قرآن و حدیث را فزونی بخشید: ۱. شعر را در خدمت تبلیغ دینی نهادن و از آن چونان ابزاری برای ترویج مکتب یاری گرفتن ۲. شعر را قالب و قالب وعظ و پند و اخلاق ساختن و از آن برای گرایش

مردم به پاکی و پیراستگی و پرهیز آنان از پلیدی و پلشتی بهره‌گرفتن<sup>۳</sup>. شعر را جلوه‌گاه عرفان و تصوف ساختن و راه و رسم سلوک و مقامات تا فنا را بدان بیان کردن و مریدان راهرو را بدان پروردن و یافته‌های غیبی و جلوه‌های شهودی را بدان سرودن (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۷).

بنابراین، در طول عمر فرهنگ و ادب و زبان فارسی هیچ شاعر و نویسنده‌ای را نمی‌یابیم که به اندازه دانش و شناخت خود از قرآن کریم و حدیث بهره‌نبرده باشد.

علامه حسن‌زاده آملی از دانشمندان معاصر است که صاحب تألیفات فراوانی در زمینه‌های: ادبیات و شعر، ریاضیات عالی (حساب و هیئت و نجوم و دیگر رشته‌های آن)، عرفان، فلسفه، اخلاق، طب، علوم غریبه، فنِ ارشماطیقی از علم جفر (علم حروف) و علم اعداد، علم اوفاق، علم زُبر و بینات و تفسیر و رجال و درایه و اصول و فقه است، یکی از آثار ایشان دیوان اشعار است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰). سرآغاز این اثر، تقریظی به قلم آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای است که فرمود: به حکم اینکه «برخی از شعرها حکمت است»<sup>۱</sup> (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۹) و «خدا را گنج‌هایی است زیر عرش که زبان‌های شاعران کلیدهای آن گنج‌هایند»<sup>۲</sup>. ذوق لطیف و فکر علمی شریف و خاصه، مشتاقان علوم عقلی و عرفان و طالبان مقام حقیقت و ایقان، تَرَم و تفکّه و تجسّم معانی مجرد را به لباس زیبای شعر برای توجّه نفوس لایق و تشویق خلائق و توجّه به دقایق عرفان و حکمت و مبدأ و معاد ضروری دانسته و استادان علوم عقلی و ذوقی اشارات و لطایف و حقایق قرآن و گفتار ائمه اطهار را با طبع لطیف خود به لسان اشعار و نظم آبدار درآورده و نفوس مستعدّه را بهره‌مند از آن سخنان آسمانی می‌کنند تا بدین وسیله مردم را سوق به اخلاق فاضله دهند؛ لذا استاد دانشمند برای نشر معارف الهی و ترغیب نفوس شیّق به کمال و روح‌های عالی طالب حقایق، این اشعار را که مضامینش همه طبق اخلاق فاضله و توحید و تزکیه و تربیت روح است، بدین مقصد عالی سروده و از طبع وقاد خداداد، گوهرفشانی کرده‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۷، ص ۷ - ۸).

دیوان اشعار علامه حدود پنج هزار بیت و در قالب‌های غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی، دوبیتی، منظومه بلند دفتردل و اشعاری به زبان عربی و تبری است که بیشتر در قالب غزل است. هزار و پانصد و یک بیت آن اختصاص به منظومه بلند دفتردل دارد که در نوزده باب به عدد حروف کریمه «بسم الله الرحمن الرحیم» تنظیم یافت. در علت نام‌گذاری این

منظومه به نام «دفتر دل» در باب اول آن چنین سروده است:

«چو این دفتر حکایت دارد از دل

بسی حرف و شکایت دارد از دل

به حکم طالعش از اختر دل

نهادم نام او را «دفتر دل»

(دیوان اشعار، ص ۲۶۰)

«دفتر دل» یک دوره مباحث حکمی و عرفان اسلامی و عملی است که کشتی نشستگان در دریای طوفانی دل را به طریق علم و عمل به مقصود نهایی انسانی که همانا رسیدن به توحید صمدی قرآنی و سزبسم الله الرحمن الرحیم و اطوار وجودی آن است، سوق می‌دهد. این منظومه شرح تطوّرات و تقلبات وجودی قلب انسان عارف است که اگر کسی بخواهد اطوار وجودی قلب خویش را بشناسد، می‌تواند از کوثر دفتر دل سیراب گردد.

از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی که کمال انسانی را در سیر و سلوک عرفانی می‌داند، عرفان اصیل انسان ساز منطق وحی به نام قرآن کریم است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۲) و قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند (حسن‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰؛ ب ۱۳۸۱، ص ۳۰-۳۱). روایات مرتبهٔ نازلۀ قرآن‌اند و نسبت قرآن کریم به احادیث مانند جان است نسبت به بدن (بدیعی، ۱۳۸۸، ص ۴۶-۴۷).

پی بردن به وثاقت این مدعا و رفع شبهاتی که در این زمینه وجود دارد، نگارندگان را بر آن داشت تا در حدّ توان و با در نظر گرفتن محدودیت حجم مقاله به استخراج، دسته‌بندی و تحلیل موارد اثرپذیری ایشان از آیات و روایات در پنج باب اول منظومهٔ «دفتر دل» با ذکر نمونه‌ای بپردازند.

براین مبنا، این پرسش‌ها مطرح است که:

۱. شیوه‌های تأثیرپذیری از آیات و احادیث در پنج باب اول منظومهٔ «دفتر دل» چگونه

است و بیشترین بسامد مربوط به چه نوع است؟

۲. انگیزه‌ها و اهداف علامه حسن‌زاده آملی از اقتباس‌های قرآنی - روایی در دفتر دل چه

بوده است؟

روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و به صورت فیش برداری، کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری بوده و میزان تأثیرپذیری از آیات و روایات، شیوه‌های اثرپذیری و اهداف کاربرد آن با آمار و ارقام بیان شده و در پایان مقاله به شکل نمودار ارائه گردیده است.

در رابطه با اثرپذیری و انعکاس آیات و روایات در پنج باب اول دفتر دل علامه حسن‌زاده آملی، تاکنون پژوهشی بدین شیوه انجام نشده است، تنها تحقیقی که در حوزه دفتر دل صورت گرفته و به طور غیرمستقیم با این مقاله مرتبط است، شرح دفتر دل (داوود صمدی آملی) است که به شرح حکمی - عرفانی دفتر دل پرداخته و در مواردی به آیات و روایات اشاره نموده است، اما به پژوهش در انواع و چگونگی تأثیرپذیری از آیات و روایات و آمارگیری در این زمینه نپرداخته، هدف علامه را از اقتباس آیات و روایات بیان ننموده و ابیات را از نگاه ادبی - زیبایی‌شناختی بررسی نکرده است؛ ضمن اینکه در پی اثبات وثاقت مدّعی علامه در عدم جدایی قرآن و عرفان و برهان نیست. ۳

## ۲. شعر از نگاه علامه و بن‌مایه‌های هنر شاعری ایشان

از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی، شعر دو گونه است: شعر ممدوح و شعر مذموم که با یکدیگر اشتراک لفظی دارند. شعر مذموم، شعر به اصطلاح منطوق است و در مواردی کاربرد دارد که بخواهند قضایایی را که برهانی و خطابی نیستند، به تخیل و تصرف در قوه خیال و وهم و به خلاف و مجاز، سفسطه کنند؛ خواه منظوم باشد یا غیرمنظوم؛ اما اشعاری که از اعظام علمای صدر اسلام تاکنون، چه عرب و چه عجم، در لباس الفاظ موزون درآمده است، مصداق حدیث «برخی از شعرها حکمت است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۹) است. این نوع شعر، ممدوح است. برخی از شعرا همچون فرزدق و دِعْبِل از ائمه علیهم‌السلام صلّه گرفته‌اند، زیرا معارف الهی را در قالب موزون و سنجیده درآورده و موجب بهتر به خاطر ماندن و ماندگاری آن‌ها شده‌اند.

علاقه‌مندی علامه حسن‌زاده آملی به شعر و شاعری و دواوین شعرا و بزرگان از همان اوان کودکی وجود داشت. در همان سن و سال به مطالعه دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، بهارستان جامی و اشعار سنایی روی آورد. ذوق طبیعی و غریزی ایشان عاملی شد تا اشعار

بسیاری را از برکنند و به گردآوری دیوان اشعار بپردازد. شرکت در محافل علمی و ادبی استادانی همچون آیت الله مهدی الهی قمشه‌ای و علامهٔ شعرانی که هر یک شاعر مُفلیح و توانایی بودند و در سرودن شعر و نکات ادبی مهارت کامل داشتند، زمینه‌ای فراهم آورد تا قریحهٔ شعری وی شکوفا شده و بر اثر تشویق استادانش، به سرعت، پیشرفت فراوانی حاصل نماید (بدیعی، ۱۳۸۸، ص ۳۵-۴۱)

### ۳. دفتر دل و شأن نزول آن

دفتر دل، گنجینهٔ اسرار عارف و مخازن ذخایر معارف عرفانیه است. دریای عظیم و عمیقی است که دارای دُرهای الهیهٔ گران بهاست و غَوَاصان را برای استخراج درهای آن به غَوَاصی دعوت می‌کند. محور مطالب دفتر دل که حاوی هزار و پانصد و یک بیت است، کریمهٔ «بسم الله الرحمن الرحیم» است که در نوزده باب و نوزده موضوع به عدد حروف آن بحث می‌کند. این دفتر تمثّل حقایق حکمی و عرفانی است که بیانگر اسرار نظام هستی به عنوان شرح تطوّرات «بسم الله الرحمن الرحیم» است و بیان اطوار شهودی و حالات عینی صاحب اوست که به عنوان یک شخص نیست، بلکه حالات هر صاحب دلی را در شئون غیرمتناهیّه او بیان می‌کند.

طبق فرمودهٔ علامه: اغلب اشعار ایشان که در حال اربعین، سکوت، روزه و ریاضت شرعیه نگاشته شد، یا در متن اربعین به سر می‌برد یا در حواشی آن؛ وگرنه در حالت عادی نمی‌توانست شعر بسراید و علوم و حقایقش را بدین صورت به ظهور رساند. در آن ایام که حضور و مراقبت، ایشان را به شدت داغ کرده بود؛ به نحوی که گاهی از شدت حرارت قلب، لباس قسمت قلبشان داغ می‌شد و این حرارت، دست را می‌سوزاند، در آن حالِ عجیب، نامه‌ای از شخصی (که در دفتر دل از ایشان به «دلنواز» یاد شده) به دستشان رسید که آن نامه، ایشان را به حرف درآورد و از مقام سرّشان این‌گونه القاء شد که جواب نامه به صورت منظومهٔ دفتر دل درآید تا بیانگر اطوار وجودی دل و تقلّبات قلب انسانِ عارف باشد. این منظومه، یادآور گلشن‌راز شیخ محمود شبستری است که جناب شیخ در جواب نامه و پاسخ به سؤالات امیر حسینی هروی سروده است. آغاز نگارش دفتر دل ماه مبارک رمضان بود، اما مدت مدیدی ادامه داشت. در ایامی که

علامه دفتردل را می‌سرود، در یکی از شب‌ها در ایراء لاریجان، بعد از نماز مغرب و عشاء که از مسجد به منزل برمی‌گشت، حال عجیبی به ایشان دست داد، آن شب بعد رفتن به منزل شور و شیدایی خاصی داشت، ابیات دفتردل با جوشش خاصی نازل می‌شد و ایشان می‌نگاشت. گاه خسته می‌شد و به محل استراحت می‌رفت و دوباره حال منقلب می‌گشت و شعر می‌آمد و ایشان بلند می‌شد و می‌سرود. بعضی از ابیات دفتردل به چندین صورت نازل می‌شد و علامه در بین آن‌ها بهترین را انتخاب می‌کرد و می‌نوشت. بسیاری از ابیات دفتردل در همان شب سروده شد (صمدی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۸ - ۳۱۳).

#### ۴. گونه‌های تأثیرپذیری از قرآن و احادیث

علامه عموماً معارف قرآنی، روایی، مضامین حکمی، عرفانی و مدارج انسانی را در سیر و سلوک و اعتلای انسان، به نظم درآورده است. در ذیل پنج قسم کلی بهره‌گیری علامه از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام در دفتردل (اعم از واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، تأویلی و تلمیحی) بررسی شده است. توجه به این نکته ضروری است که این شیوه‌ها، ناسازگار و به اصطلاح «مانعة الجمع» نیستند، یعنی قرارگرفتن بیتی در نوعی خاص از اثرپذیری، وجود نوع دیگر را رد نمی‌کند و چه بسا یک بیت شامل اثرپذیری چند سویه باشد. همچنین به دلیل ضیق مجال، امکان آوردن همه نمونه‌ها وجود نداشته است؛ اما در ارائه نمودارها همه نمونه‌ها در نظر گرفته شده است. همچنین گاه جهت بررسی تأثیرپذیری، تقطیع آیه یا حدیث صورت گرفته است و در صورت امکان همان قسمتی که نشان‌دهنده اثرپذیری مد نظر بود، آورده شده و قسمت‌های پس‌وپیش در صورت حذف با نقطه چین نمایش داده شده است.

#### ۱.۴. اثرپذیری واژگان

در این شیوه، شاعر در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن کریم و احادیث است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۱۵). اثرپذیری واژگانی در پنج باب اول دفتردل به دو صورت وام‌گیری و برآیندسازی مشهود است.



#### ۱.۱.۴. وام‌گیری

در این شیوه، یک واژه یا ترکیب قرآنی یا حدیثی با همان ساختار عربی خود، بی‌هیچ دگرگونی یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی بی‌آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند، استفاده می‌شود (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۱۶). تقریباً ۲۱٪ از واژگان متأثر از قرآن و حدیث در دفتر دل از نوع وام‌گیری است، از آن جمله: (کُن، قیامت، مصوّر، عماء، هباء، کوثر، سلسبیل، محمود، احمد، محمّد، علی ابن ابیطالب، ولی، ابراهیم، یوسف، آدم، شیطان، فاطر، الحمد، روح، جنّات نعیم، بسم الله، حبّ حصید، عرش عظیم، سبع‌المثانی، بیت‌المعمور، قلب سلیم، رُق منشور، ذوالمعارج، أم‌الکتاب، صبغة الله، خلق عظیم، عظم زمیم و...).

- به عنوان نمونه:

«ز کُن هر لحظه اسمای جلالی

بود اندر تجلی جمالی»

(دیوان اشعار، ص ۲۵۵)

آیه: «چون به چیزی اراده فرماید، کارش این بس که می‌گوید: «کُنْ فَيَكُونُ»؛ باش؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود» (یس: ۸۲).

احادیث: حضرت علی علیه السلام فرمود: «چون به بودن چیزی اراده فرماید، می‌گوید: «کُنْ فَيَكُونُ»؛ باش؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود...» (هاشمی خوبی، ۱۴۰۰، ج ۱۱، ص ۵۶).

امام کاظم علیه السلام: «چون خداوند اراده انجام عملی را بنماید و غیر آن هیچ؛ می‌گوید: «کُنْ فَيَكُونُ»؛ باش؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود...» (میرداماد، ۱۴۰۳، ص ۲۴۷).

واژه «کُن» در بیت فوق، اخذ شده از آیه «یس: ۸۲» و روایات فوق است که با همان لفظ و معنا و بدون تغییری در ساختار استفاده شده است. واژه «کُن»، امر وجودی است که ظهور همه اشیا بدان است و همه اشیا کلمه وجودی‌اند. این آیه و دو روایت مذکور، کلمه «کُن» را توصیف می‌کنند. خداوند در هر چیزی که ایجاد آن را اراده کند، به غیر از ذات متعالی خود به هیچ سببی دیگر نیامزمند نیست، نه در اینکه آن سبب مستقلاً آن چیز را ایجاد کند و نه در اینکه خدا را در ایجاد آن کمک نماید یا مانعی را از سر راه خدا بردارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۱۴). اسماء و صفات الهی غیرمتناهی است، اما به نحو کلی به جلالی و جمالی تقسیم

می‌شود که براساس «کُن» الهی هر لحظه در تجلی خاصی است. گاه علامه در رویکرد وام‌گیری، در یک مصرع به ذکر اسامی انبیاء که در قرآن آمده، بسنده کرده است؛ مانند:

«که محمود و محمد هست و احمد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ»

(دیوان اشعار، ص ۲۵۶)

این اسامی سه‌گانه حضرت (محمود، احمد و محمد) وام‌گیری از قرآن و روایات است: آیات: «پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافلة ای باشد. امید که پروردگارت تورا به مقامی ستوده (مَقَامًا مَحْمُودًا) برساند» (الإسراء: ۷۸).

«و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد «اسْمُهُ أَحْمَدُ» است بشارت‌نگرم...» (الصف: ۶).

خداوند در چهار آیه دیگر قرآن کریم (آل عمران: ۱۴۴)، (الأحزاب: ۴۰)، (محمد: ۲) و (الفتح: ۲۹)، حضرت را به اسم شریف محمد نام برده است.

حدیث: اباعبدالله علیه السلام فرمود: «حضرت موسی علیه السلام از خداوند پرسید: ای پروردگار او چه کسی است؟ خداوند پاسخ داد: محمد. احمد اسمش مشتق از نام من است. همانا من محمودم» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۳).

#### ۲.۱.۴. برآیندسازی

«در این شیوه عین ترکیب در قرآن کریم و احادیث نیامده است، بلکه گوینده از آیات و روایات با افزودن کلمات دیگر، برآیند و فرآورده‌ای ساخته است» (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۱۷-۱۸). علامه به شیوه‌ای محدودتر از اثرپذیری واژگانی به صورت منقطع (وام‌گیری)، پای در عرصه برآیندسازی نهاده و ترکیب‌هایی را ساخته است که اغلب به صورت ترکیب‌های اضافی و وصفی‌اند. حدود ۱۳٪ تأثیرپذیری علامه از قرآن و حدیث از نوع برآیندسازی است که می‌توان به ترکیب‌های «کُن الله، کُن عارف، مقام فوق کُن، بسم الله عارف، غیر بسم الله، قرآن

محمد، یوم الایام صعودی، سر قلب سلیم، اسم مصوّر، اسم محیط، اسم باطن، اسم ظاهر، اسم ولیّ کردگار، برهان صدیقین، لیلۃ القدر شهودی، فتّاح علیم، استکبار شیطان، مقام عزّ محمود، سورت واللیل، تاج کزمنّا و...» اشاره کرد. خصلت این ترکیب‌ها به‌گونه‌ای است که هیچ‌یک عیناً از قرآن کریم یا احادیث اخذ نشده است، بلکه ایشان از ترکیب واژگان موجود در آیات و روایات یا از مفهوم کلی آن‌ها ساخته است. به‌عنوان نمونه:

«تو انسانی چرا مردارخواری

چرا از سفره‌ی خود بر کناری

غذای تو چرا لای و لجن شد

طبّاع تو بَط و زاغ و زغن شد

زخارف همچو شهوت شد حجابت

که شد از دست توحقّ و حسابت

ترا شهوت به قرب دوست باید

بدانچه وصف و خلق اوست باید

ترا زینت بود نام الهی

به از این تاج کزمنّا چه خواهی»

(دیوان اشعار، ص ۲۷۱)

آیه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»؛ «و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم» (الإسراء: ۷۰)

ترکیب وصفی «تاج کزمنّا» در بیت پنجم، بر ساخته و برآیندی از آیهٔ «الإسراء: ۷۰» است. در آیهٔ مذکور فقط واژهٔ «کزمنّا» آمده است؛ اما چون انسان دارای عقل است و در رسیدن به مقاصد خود، همهٔ موجودات را به‌استخدام درمی‌آورد و همه را مسخّر خویش می‌نماید و نیز استعداد رسیدن به مقام تجرّد از ماهیت را داراست که برتر از ملائکه شود، لذا چنین تکریمی یک موهبت الهیه و مخصوص انسان است. با توجه به آنچه از مفهوم کلی آیه به‌دست آمده، شاعر با افزودن واژهٔ «تاج» به «کزمنّا» ترکیب وصفی «تاج کزمنّا» را ساخته است. علامه طباطبایی

فرمود: آیه فوق برای امتنان بنی آدم، همراه با عتاب است تا انسان بفهمد پروردگارش نسبت به وی عنایت بیشتری دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۱۵۵). با رجوع به ابیات ماقبل بیت پنجم، مشخص می‌شود، اینکه در بیت مذکور، سخن از «تاج کزمن» برای انسان مطرح شده، نیز با عتاب به انسان همراه است.

علامه گرچه واژگان زیادی را از آیات و احادیث اخذ می‌کند، اما نمی‌توان اثرپذیری ایشان را صرف واژگانی از نوع (وام‌گیری و برآیندسازی) دانست، بلکه به رویکردهای دیگری همچون تلمیحی، گزاره‌ای و... نیز توجه دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد.

#### ۲.۴. اثرپذیری گزاره‌ای

در این شیوه شاعر آیات و احادیث را عیناً یا با تغییراتی در شعر خود منعکس می‌سازد. این اثر شامل دو گونه اقتباس (تضمین) و حل (تحلیل) است، تأمل در شیوه گزاره‌ای دفتر دل نشان می‌دهد که حدود ۱۲٪ از تأثیرات علامه در استفاده از آیات و روایات، آوردن گزاره‌ها (عبارات و جمله‌هایی) در این زمینه است و گاهی گزاره‌های قرآنی - روایی را در جایگاه یک واژه می‌نهد و بدان نقش دستوری می‌دهد.

#### ۱.۲.۴. اقتباس (تضمین)

در این شیوه، شاعر، گزاره‌ای یعنی عبارت و جمله‌ای قرآنی یا روایی (خواه کامل و خواه بخش عمده‌ای از آن) را با همان ساختار عربی و بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریزی نیست، در شعر خود به کار می‌برد (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۳۰). بیشتر تأثیرات گزاره‌ای علامه از نوع اقتباس و اغلب دارای نقش متممی است. البته نقش مفعولی و اضافی آیات و احادیث نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. این شیوه تأثیرپذیری حدود ۸٪ جامعه آماری را می‌سازد و با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد و چه بسا پاره‌ای از مقاصد، یکجا و با هم زمینه‌ساز اقتباس باشند. براساس انگیزه‌های اقتباس (رک: خیاط و مهدوی‌راد، ۱۳۹۱، ص ۹۷ - ۹۸) و رجوع به شرح دفتر دل و کتاب‌های حکمی - عرفانی علامه حسن زاده آملی می‌توان به برخی از انگیزه‌ها و اهداف علامه از اقتباس‌های قرآنی

- روایی پی برد که به قرار ذیل است:  
الف.

«به بسم الله الرحمن الرحيم است

که عارف در مقام کن مقیم است»

(دیوان اشعار، ص ۲۵۵)

آیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (در ۱۱۴ آیه)

حدیث: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نزدیک‌تر است به اسم الله...» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص

(۲۱)

کریمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» صد و چهارده مرتبه نازل شده است؛ اگرچه در اول سوره مبارکه توبه نازل نشده، اما در سوره نمل دو بار نازل شده است. ابن عربی گوید: در نزد علمای بالله؛ بسم الله الرحمن الرحيم جزء هر سوره است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۵) و شیخ طبرسی آن را به اصحاب امامیه نسبت داده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸۹)؛ همچنین در چندین حدیث آمده است که به عنوان نمونه به روایت فوق اشاره شده است. در نخستین مصرع هریک از ابواب نوزده‌گانه دفتر دل نیز، کریمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بی‌هیچ تغییری اقتباس شده و دارای نقش متممی است. هدف علامه از این اقتباس از یک سوتبرک و تیمن و از سوی دیگر، نکته‌پردازی و تفسیر و تأویل این کریمه است؛ یعنی اگرچه بسم الله الرحمن الرحيم به ظاهر نوزده مرتبه در دفتر دل تکرار شد، اما در هریک از نوزده باب آن معنایی خاص و جلوه‌ای ویژه دارد و در هر جا با کلید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خزینه‌ای از خزائن دل عارف گشوده می‌شود. ابن عربی می‌گوید: تمام علوم اولیاء الهی در بسم الله به ودیعه نهاده شده و برای او مقام همه اشیاء قیام می‌کند (محیی‌الدین بن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵) و عارف را با هر یک از این بسمله کاری خاص و شأنی به خصوص خواهد بود. البته تنها بسمله سوره فاتحه است که از آن همه کائنات به نحو مطلق منفعل می‌شوند، ولی بسمله سایر سوره‌ها برای امور جزئی است؛ لذا عارف با بسم الله باب اول در مقام «کن» قرار می‌گیرد و دست تصرف را به سوی همه کائنات دراز می‌کند.

ب.

«که جای نور علم یقذف الله

نیابی اندرین انبار پُر کاه»

(دیوان اشعار، ص ۲۸۳)

حدیث: منسوب به امام صادق علیه السلام: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ»؛ «دانش نوری است که خداوند آن را در دل هر کس که بخواهد می اندازد» (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، ص ۳۴۴)

عبارت «نور علم یقذف الله» در مصرع اول، اشاره به حدیثی دارد که منسوب به امام صادق علیه السلام است. حقیقت علم با مقدمات عادی و تحصیل و مطالعه و درس و بحث حاصل نمی شود، بلکه محتاج به تربیت نفس و تهذیب و صفا و اخلاق است. حصول علوم رسمی و مباحث مربوط به موضوعات مادی، یا به دست آوردن علوم عقلی به ظن و بحث و فکر محدود، هرگز با حقایق و معارف الهی که باید از طریق شهود و ذوق حاصل شود، مربوط نخواهد بود؛ بلکه این علوم موجب اشتباه و تحیر و اضلال گشته و حاجب و مانعی از حقیقت معارف خواهد شد که از چنین علمی به عنوان حجاب اکبر یاد کرده اند (همان). علامه جهت توضیح و تبیین این مطلب و تحذیر از علوم رسمی صرف، بخشی از حدیث فوق را با اندکی تغییر، به صورت ترکیب اضافی «نور علم» و حذف ضمیر متصل، در بیت آورده است. در مصرع دوم، دانستن الفاظ و اصطلاحات چند کتاب که حجاب دیدار جمال دل آرای حق و دوری از رحمت خداوند می گردد، به انباری پراز کاه تشبیه شده است. چنین فردی از حقیقت علم و نور معرفت بی بهره است؛ حال اگر همین علوم رسمی به نیت خالص و با تهذیب نفس تحصیل شود، بهترین کمک و قوی ترین مؤید سلوک به سوی کمال است.

ج.

«ز دهری بگذر از حب بقا گو

به عشق و عاشقی با خدا گو

ز ذره گیر تا شمس و مجره

به عشق و عاشقی باشند دره

### برو برخوان آتینا طائعین را

جواب آسمان‌ها و زمین را»

(دیوان اشعار، ص ۲۷۹)

آیه: «سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان پذیر آمدیم «أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱). ملاحظه می‌شود که «أَتَيْنَا طَائِعِينَ» در بیت فوق، برگرفته از بخش پایانی «فصلت: ۱۱» است که بدون دگرگونی، با نقش مفعولی در شعر به کار رفته است. این آیه بیانگر آن است که آسمان و زمین و تمام موجودات صاحب شعور و ادراک‌اند، از این روی به آن‌ها خطاب شده و شاید خطاب تکوینی باشد، نه تشریحی و اشاره به نفوذ قدرت دارد که ممکنات مطابق اراده خدای تعالی و تحت اقتدار او امتثال اوامر تکوینی می‌کنند (امین، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۱۶ - ۳۱۷)؛ بنابراین خداوند به آسمان (که به صورت دخان بود) و به زمین به امر تکوینی فرمود: به سوی خدا به شوق و رغبت (طَوْعاً) یا به کراهت (کَرْهاً) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۱۲) بشتابید و چون حرکت هر ناقص فقیر به سوی کامل غنی برای کمال و استغنا و حرکت مشتاقانه است، آن‌ها عرضه داشتند «أَتَيْنَا طَائِعِينَ». علامه حسن‌زاده آملی به منظور تعلیل و توجیه «حب بقا» در موجودات، بخشی از این آیه را عیناً اقتباس نموده و در کلام خویش بدان استناد داده است.

د.

### «ترا در راه استکمال ذاتی

بیاید همت و صبر و ثباتی

که گردی قابل فیض الهی

نمایندت همه اشیا کما هی»

(دیوان اشعار، ص ۲۷۶)

عبارت «اشیا کما هی» در مصرع چهارم اقتباس بخشی از فرمایش جناب رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: «اللَّهُمَّ ارِنَا الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ؛ پروردگارا اشیاء را آن‌گونه که هستند، به من نشان بده» (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۰) که علامه بی‌هیچ تغییری، به قصد استشهاد و استناد، تجمیل، هنرنمایی و شگرف‌کاری به کار برده است. در این روایت، حضرت از رب خودش

شهود حقایق اشیاء را طلب نمود تا اشیاء را آن طوری که هستند، مشاهده نماید، «که در لسان اهل معرفت از آن به مقام سَرّ تعبیر می‌شود. لازمه معرفت حقایق موجودات، تخلّق به اخلاق ربوبی و اتصاف به حقیقت آن خُلق است، نه علم مفهومی به معنای آن. تخلّق به اخلاق الهی همان تعلّم اسماء الله و کلمات وجودی است؛ یعنی مقام دارایی اسماء الله و شهود به حقایق آن‌ها است» (صمدی آملی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۷) و علامه معتقد است که صبر و استقامت، سعه وجودی می‌آورد و در نتیجه حقایق موجودات را آن طوری که هست، به انسان می‌نمایند. ۵

#### ۲.۲.۴. حلّ (تحلیل)

«حلّ» در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی، آن است که گوینده، آیه یا حدیثی را در شعر و نثر خود بیاورد؛ بدان شرط که عبارت آن را از وزن یا صورت اصلی‌اش به‌طور ناقص یا کامل خارج سازد (حلبی، ۱۳۷۲، ص ۵۳) یا به‌گونه‌ای دست‌کاری نماید که موجب پاشاندن و پراکندگی ساخت و بافت آیه یا حدیث شود.

تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حلّ، در دفتر دل به‌ندرت (حدود ۴٪) دیده می‌شود. در این شیوه، گاه تنگنای وزن و قافیه از یک سو و اشتیاق به اقتباس از دیگر سو، علامه را وامی‌دارد تا برای آذین‌بندی سخن خویش به آیه یا حدیث، آن را دگرگون و دست‌کاری کند و ساختار اصلی آن را به هم بپاشد. نمونه این نوع حلّ (تحلیل):

«که تفسیر آری کنم نقطه بی را

لَقَدْ أَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا

(دیوان اشعار، ص ۲۷۵)

احادیث: حضرت علی علیه السلام: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا...؛ اگر بخواهم بام بسم الله الرحمن الرحیم را تفسیر کنم، هفتاد شتر را بار سنگین می‌شود» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۲ و ۳۲۶)

در حدیث دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ لَكُمْ ثَمَانِينَ بَعِيرًا...»؛ «اگر بخواهم علوم نقطه‌ای که ذیل (تحت) بام هست را تفسیر کنم، هشتاد شتر را بار سنگین



می‌شود» (جیلی، ۲۰۰۸، ص ۴۵۲)

نیز آن ولی الله اعظم فرمود: «من نقطه زیر باء هستم» (سلیمانی آشتیانی، درایتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۷۷ و ۵۹۱)

عبارت «نقطه بی» و جمله «لَقَدْ أَوْ قَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيرًا» دگرگون‌شده احادیث فوق‌اند. علامه از یک سو ذهن و ضمیرش سرشار از قرآن و حدیث بود و جان و روحش پرورده بدان‌ها، و از سوی دیگر حافظه‌اش بس ژرف و تداعی‌اش سخت شگرف و در سرودن دفتر دل دارای شور و شیدایی خاص. لذا سروده علامه، تداعی شگرف آیه‌ها و احادیث فراوانی است که در دریای ذهن و ضمیرش موج می‌زد و ایشان این امواج خروشان را به برکه‌های کوچک مصرع و بیت و کانال‌های وزن و قافیه راه می‌داد. در بیت فوق، علامه در قالب گزارش پاشانی به بیان این موضوع می‌پردازد که اگر شرح و بیان نقطه باء بسم الله از زبان انسان کامل (حضرت علی علیه السلام) صورت گیرد، آن را نهایی نیست؛ زیرا سعه وجودی حضرت را نهایت نیست و «منظور از این نقطه، سه‌هویت مطلقه در عالم و نزول وجود مطلق؛ یعنی ظهور هویتی است که مبدأ وجود است و همه کثرات عالم به او قائم‌اند؛ همچنین گفته شده است که «باء»، نبی است و نقطه ذیل آن، ولی؛ زیرا «باء» تعیین پیدا نمی‌کند، مگر به نقطه؛ چنانکه نبی متعین و متکمل نمی‌شود، مگر به ولایت» (حسن‌زاده آملی، الف ۱۳۸۱، ص ۱۹۷-۲۰۱). به همین دلیل حضرت علی علیه السلام فرمود: «اگر بخواهم نقطه باء را تفسیر کنم، هفتاد شتر بار سنگین می‌شود». ۶۰

#### ۳.۴. اثرپذیری گزارشی

در این نوع اثرپذیری، شاعر مضمون آیه یا حدیث را به شیوه ترجمه و تفسیر به فارسی گزارش می‌نماید. گاه به شیوه نقل و قول و با یادکرد نام گوینده و گاه بی آن و از زبان خود. به ترجمه صریح و آزاد می‌پردازد. شیوه گزارشی حدود ۷٪ از جامعه آماری را در پنج باب اول دفتر دل به خود اختصاص داده است.

#### ۱.۳.۴. ترجمه آیات و روایات

یکی از شیوه‌های تأثیرپذیری شاعران از قرآن و حدیث، ترجمه است. «اگر برگردان فارسی آیه

یا حدیث را در متن بیاورند، صنعت ترجمه به کاررفته است» (جعفری تبار، ۱۳۸۸، ص ۴۴). علامه نیز حدود ۳٪ در استفاده از قرآن و حدیث از شیوه ترجمه بهره گرفته است. ترجمه‌های ایشان در دفتر دل بردونوع بسته و آزاد (باز) است و کارکرد ترجمه باز بیش از ترجمه بسته است. در ترجمه بسته، گزاره قرآنی - حدیثی، بی‌آنکه معنی و مضمونش از اصل عربی چندان کم و بیشی پذیرد و ساختار بیانی اش دگرگون شود، جامه فارسی پوشیده است (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۳۸ - ۳۹). ترجمه بسته در دفتر دل بسیار ناچیز (حدود ۱٪) است. تنها در دو بیت از پنج باب اول دفتر دل مشاهده شده است. به عنوان نمونه:

«که حکم شرعی خیرالانام است»

جواب نامه چون ردّ سلام است»

(دیوان اشعار، ص ۲۵۷)۷

حدیث: حضرت امام صادق علیه السلام: «رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوْجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ» (طبرسی،

۱۳۸۵، ص ۱۴۴)

مصراع دوم چه در معنا و مضمون و چه در ساختار، گردانده فارسی حدیث فوق است که امام صادق علیه السلام فرمود: «جواب نامه همانند ردّ سلام واجب است»؛ «خَیْر» یعنی چیزی که هر کس به آن راغب است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴۱). «الانام» یعنی تمام مخلوقات (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۸۸). «خیر الانام: بهترین مردم» لقب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؛ از آنجایی که ائمه معصومین علیهم السلام مبین شریعت مطهر و مفسران اند، پس احکام شرعی که از لسان اوصیای الهی و ائمه هدی به ما رسیده است، در حقیقت همان احکام شرعی حضرت خاتم صلی الله علیه و آله است؛ لذا حدیث فوق به عنوان حکم شرعی خیرالانام مطرح گردیده است (صمدی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۳).

- ترجمه آزاد (باز)، عکس ترجمه بسته است؛ بدین معنی که هم در معنی و مضمون و هم در ساختار بیانی ترجمه، کاستی و فزونی و تغییر و تحولاتی راه می‌یابد. حدود ۲٪ از تأثیرپذیری علامه، ترجمه از نوع باز است؛ مانند:

«زبان حجت الله زمان است»

که در مدح و دعای شاعران است

که راوی در دل دفتر نوشته است

به هریک بیت، بیتی در بهشت است»

(دیوان اشعار، ص ۲۵۹)

حدیث: حضرت امام صادق علیه السلام: «مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (ابن بابویه،

۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷)

این بیت ترجمه آزاد حدیثی از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «کسی که یک بیت شعر درباره ما بگوید خداوند برای او بیتی در بهشت بنا می‌کند». به ضرورت وزن و قافیه کم‌وبیشی چه در معنی و چه در ساختار آن مشاهده می‌شود. ۸.

#### ۲.۳.۴. تفسیر

در این شیوه سخنور آیه یا حدیث یا مایه و مضمون آن‌ها را بازمی‌گشاید و با شرح و بسط در سخن خویش می‌آورد (راست‌گو، ۱۳۹۲، ص ۴۳). از میان انواع تأثیرپذیری گزارشی حدود ۴٪ از نمونه‌ها، صرفاً تفسیر است. به عنوان مثال می‌توان به شاهد زیر اشاره کرد:

حدیثی خوش به خاطر افتاده است

پیمبر در نمازش ایستاده است

که اعرابی بگفتی در نمازش

بحق سبحانه گاه نیازش

الهی مَرِّ مَرِّ او را با پیمبر

ترحم کن مکن بر شخص دیگر

رسول الله پس از تسلیم وی را

بفرمود از سر تعلیم وی را

کلامی را که حیف است گفت چون دُرِّ

که واسع راهمی کردی تحبجر

چو اعرابی، مقدّس‌های خشک‌اند

که یکسر پُشک و جز آن‌ها که مُشک‌اند

(دیوان اشعار، ص ۲۸۲-۲۸۳)

حدیث: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَامَ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ أُعْرَابِي...»؛ «در مسجد مدینه در محضر رسول اکرم ﷺ اعرابی به نماز ایستاد و در قنوت نماز این را گفت: خداوندا بر من و محمد ﷺ رحم کن و احدی را با ما ترخم نکن. بعد از سلام نماز، حضرت ﷺ به ایشان از باب تعلیم فرمود: تو رحمت واسعه الهی را محدود کردی و تنها به خودت اختصاص دادی» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۴۷).

این ابیات گزارش حدیث شریف فوق است که طبرسی در مجمع البیان، ذیل کریمه «... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ...»؛ «... ورحمتم همه چیز را فراگرفته است...» (الأعراف: ۱۵۶) از صحیح بخاری روایت کرده و علامه آن روایت را بازگشوده و شرح و بسط داده است و به فرموده ایشان این کلام رسول خدا ﷺ آن قدر شریف است که حتی حیف است، انسان آن را دُر بنامد.

علامه در بیت آخر در ضمن تفسیر حدیث می فرماید: مقدّس های خشک نیز مانند همان اعرابی متعجّر، می پندارند که فقط آن ها خودشان مُشک (عطر مخصوصی که اتخاذ شده از آهواست) (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۵۹) و بقیه مردم، پُشک (سرگین گاو و گوسفند و شتر و بز) (معین، ۱۳۸۵، ص ۶۰۰) هستند. به عبارتی مقدّس های خشک همانند آن اعرابی، در سر سفره رحمت رحمانیه الهی بُخل می ورزند.

#### ۴.۴. اثرپذیری تأویلی

در این شیوه، شاعر، تأویل آیه یا حدیثی را دست مایه سروده خویش می سازد؛ یعنی با ذوق ورزی و نکته یابی و با پنهان پژوهی و موی شکافی از لایه های برونی و دریافت های همگانی و پیام های پیدای سخن درمی گذرد و به لایه های درونی آن راه می یابد؛ بدین ترتیب از آیه و حدیث، طرح و تفسیری نو بر و پیغامی دیگر رهاورد خواننده می سازد (راست گو، ۱۳۹۲، ص ۵۵)؛ به عبارت دیگر «این بیانات اهل عرفان، بیان بطنی از بطون آیات و احادیث است؛ یعنی انطباق دادن آنچه را که در جهان بیرون است، بر جهان درونی انسان، به حکم مطلب مسلم انطباق جهان و انسان» (بدیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۰). علامه در شرح آیات و روایات دفتر دل، در اغلب موارد به تفسیر صرف اکتفا نکرده، بلکه از شیوه تأویلی (تفسیر انفسی) اثر پذیرفته است

که بیشتر به صورت اطناب است و از حیث آماری می‌توان گفت که شیوه تأویل، حدود ۱۰٪ از جامعه آماری را در پنج باب اول دفتر دل به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه:

برای مسّ سراسم محیی  
بخواهد از خدایش کیف تحیی  
به اذن او بیابد رهنمون را  
بگیرد چار مرغ گونه‌گون را  
چه مرغان شگفت پرفسوسی  
زَنسِر و بَطّ و طاووس و خروسی  
نماید هر یکی را پاره پاره  
به هر کوهی نهد جزئی دوباره  
بخواند نام آنان را به آواز  
که در دم هر چهار آید به پرواز  
ترا هر چار مرغ اندر نهادست  
که روح از عروجش اوفتادست  
تراتاخت نفس است بَطّی  
که بالای و لجن در بحر و شطّی  
همی جوشد ز شهوت دیک دانی  
زخارف آن طاووس است و آنی  
چونسری کرکس مردارخواری  
ببین اندر نهاد خود چه داری  
بکش این چار مرغ بی ادب را  
که تا یابی حیات بوالعجب را  
(دیوان اشعار، ص ۲۶۹ - ۲۷۰)

این ابیات ناظرند به تأویل آیه: «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ رَبِّ اَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ...»؛ «و ایاد کن [آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود:

مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد. فرمود: پس، چهار پرنده بگیر و آن‌ها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آن‌ها را قرار ده؛ آنگاه آن‌ها را فراخوان، شتابان به سوی تومی آیند...» (بقره: ۲۶۰).

همچنین حدیث: امام رضا علیه السلام: خداوند به حضرت ابراهیم فرمود: «من در میان بندگانم خلیلی اتخاذ کرده‌ام که اگر از من چگونگی زنده شدن مردگان را سؤال کند، درخواستش را اجابت خواهم نمود». سپس در دل ابراهیم افتاد که او همان خلیل الله است. پس چنین گفت: «پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: چرا، ولی درخواست من از آن رو است که قلبم بردوستی تو مطمئن شود؛ آنگاه ابراهیم علیه السلام کرکس و مرغابی و طاووس و خروسی را گرفت و آن‌ها را قطعه قطعه کرد و درهم آمیخت و بر هر یک از کوه‌هایی که اطرافش بودند، قرارداد؛ درحالی که ده قسمت شده بودند. سپس منقارهای آن‌ها را در بین انگشتان خود قرار داد و آن‌ها را به اسم‌هایشان صدا زد و برای آن‌ها دانه و آب قرار داد. بعضی از آن اجزاء به سوی بعضی دیگر پرواز کردند تا اینکه بدن به حد اعتدال رسید و به‌طور کامل جلو آمد تا به گردن و سرش متصل شد. در همین حال، ابراهیم علیه السلام منقارهایشان را رها کرد و آن‌ها پرواز کردند و نشستند و از آن آب حاضر خوردند و از آن دانه برچیدند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما را زنده کردی، خدا تو را زنده بدارد. ابراهیم علیه السلام فرمود: بلکه خدا میراند و زنده کرد و او بر هر چیزی قادر است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۶).

در پنج بیت اول علامه به شرح‌واره‌ای از آیه شریفه (بقره: ۲۶۰) و حدیث فوق می‌پردازد. بدین صورت که حضرت ابراهیم علیه السلام در این کریمه از پروردگار درخواست نمود تا حقیقت اسم «محبی» را مَس نماید و «این مَس در حقیقت تخلل این اسم و سریان حق در حضرت است» (صمدی املی، ۱۳۷۹، ص ۴۵۹)؛ لذا از حق تعالی چگونگی احیاء را طلب کرد. به حضرت گفته شد که چهار مرغ گوناگون را بگیر و پاره پاره کن و گوشت‌های آن‌ها را در هم بنما و بالای هر کوهی قسمتی از آن را بگذار پس آن‌ها را بخوان تا به سوی تو شتابان پرواز کنند. در حدیث مذکور آمده است که آن چهار مرغ که طبایعشان مختلف است، (نَسْر: کرکس)، (بَط: اردک)، طاووس و (دیک: خروس) بود. علامه از کنار هم نهادن و سنجدیدن موی شکافانه آیه و حدیث فوق درمی‌یابد که مراد از چهار مرغ، فقط چهار مرغ و پرنده آفاقی (بیرون از نفس) نیست و باید معنی دیگری نیز از آن خواسته شده باشد. آنگاه با تأملی تأویلی در بیت (۶-۱۰) به این

نکته دست می‌یابد که این چهار مرغ در نفس ناطقه انسانی و اطوار و شئون آن پیاده می‌شود که: اردک نشانهٔ لجن‌خواری، خروس نشانهٔ شهوت‌رانی، طاووس نشانهٔ زینت‌پرستی و کرکس نشانهٔ لاشخوری است. ۱۰.

#### ۵.۴. اثرپذیری تلمیحی

تلمیح یعنی «به گوشهٔ چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده ضمن کلام، به داستان یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند» (همایی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۸)؛ اما عین آن را نیاورده باشد (مؤذنی، ۱۳۷۵، ص ۳۰). علامه در سرودن دفتر دل و تعلیم اصول و معارف حقّه حکمت و عرفان، اغلب سعی می‌نماید تا اشاره‌ای به آیات و روایات داشته باشد. شیوهٔ اثرپذیری تلمیحی به وفور در دفتر دل به چشم می‌خورد و از بیشترین بسامد برخوردار است. اختصاص حدود ۳۷٪ از رویکردهای علامه به تلمیح بیانگر این است که ایشان علاوه بر کاربست آیات و روایات و توجه به محتوا جهت غنای آن از عنصر تلمیح سود جست و اندیشهٔ زیبا در کنار عنصر زیبایی‌شناختی، ادبیات قرآنی و حدیثی وی را می‌سازد. به‌عنوان نمونه:

«به گاو مرده با پایش کند هی

از آن هی گاو مرده می‌شود حی»

(دیوان اشعار، ص ۲۶۹)

بیت فوق نمونه‌ای از نَفخ عارف ولیّ و الهام گرفته از زنده شدن گاو مرده در منی توسط حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام است.

حدیث: «مَرَّ الْعَبْدُ الصَّالِحُ بِامْرَأَةٍ بَيْمَتٍ وَ هِيَ تَبْكِي وَ ...؛ امام کاظم علیه السلام، زنی را با فرزندان یتیمش در منی در حال گریستن مشاهده نمود، از او پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ زن عرض کرد: گاوی داشتم که برای معیشت من و این فرزندانم بود اکنون مرده است و راه چاره‌ای هم برای معیشت ندارم. حضرت فرمود: می‌خواهی که زنده‌اش کنم؟ گفت: بله. حضرت به کناری رفت و دو رکعت نماز خواند و دعا کرد، آنگاه گاو را هی کرد، آن حیوان برخاست. وقتی چشم زن بدان گاو زنده شده افتاد، صدا بلند کرد که: به خدای کعبه قسم عیسی بن مریم. حضرت موسی علیه السلام خود را در بین مردم پنهان کرد و رفت». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸۴) ۱۱

## ۵. نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش شامل موارد ذیل است:  
 - دفتر دل حاوی همه اصول و امهات معارف حقّه الهیه و بیانگر شرح تطورات «بسم الله الرحمن الرحیم» است که برای هر صاحب‌دلی به کار می‌آید.

- انعکاس آیات و روایات در اشعار حکمی - عرفانی دفتر دل، دلیلی بر وثاقت این مدّعی علامه حسن‌زاده آملی است که: «قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند و روایات مرتبه نازله قرآن‌اند»؛ زیرا بدون شناخت تأثیر قرآن کریم و احادیث که از منابع مهم اندیشه و هنر ایشان است، تحلیل اشعار تعلیمی حکمی - عرفانی ایشان ناتمام خواهد بود.

- بررسی شیوه‌های مختلف اثرپذیری در دفتر دل، مبین آن است که تأثیرپذیری‌های قرآنی و روایی علامه، محدود به اثرپذیری‌های ساده و عادی نمی‌شود، بلکه بسیار متنوع، هنرمندانه، خلاق و با بافتی زیبا است.

- علامه در شرح منظومه حکمی - عرفانی کریمه «بسم الله الرحمن الرحیم»، در پنج باب اول دفتر دل، از آیات قرآن کریم بیش از روایات استفاده نموده است، به گونه‌ای که تقریباً ۵۸٪ کل اثرپذیری ایشان از آیات است و در مقابل حدود ۴۲٪ موارد متأثر از احادیث هست.

- علامه با تسلط و انس و الفت با آیات قرآنی و احادیث، برای ترسیم افکار و اندیشه‌های خویش در دفتر دل از اثرپذیری واژگانی (وام‌گیری و برآیندسازی)، گزاره‌ای (اقتباس و حلّ)، گزارشی (ترجمه آیات و احادیث و تفسیر)، تأویلی (تفسیر انفسی) و تلمیحی استفاده کرده است. بیشترین اثرپذیری از نوع تلمیحی (حدود ۳۷٪) است که زیبایی شناختی شعر علامه محسوب می‌شود.

- به لحاظ زبانی علامه حدود ۱۲٪ از گزاره‌ها بهره برده است. البته بیشتر تأثرات ایشان در این زمینه به صورت اقتباس (حدود ۸٪) است که از حیث دستور زبان عمدتاً از نقش متممی برخوردار است.

- از جمله انگیزه‌های علامه از اقتباس‌های قرآنی - روایی در پنج باب اول دفتر دل شامل: تفسیر و تأویل، نکته‌پردازی، تبرک و تیمّن، توضیح و تبیین، تعلیل و توجیه، تأیید و تأکید، هنرنمایی و شگرف‌کاری، استشهاد و استناد، تحریض، تحذیر، تهدید و در نتیجه اثرگذاری



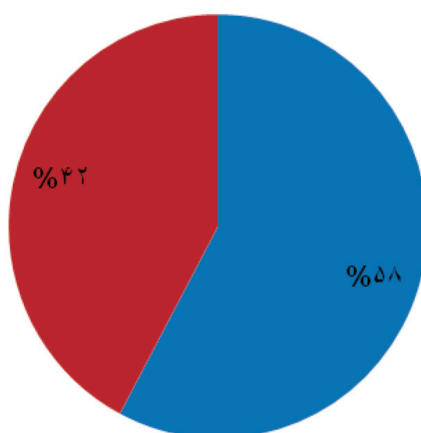
بیشتر بر مخاطب است که اغلب کارکرد ترکیبی (اهداف چند سویه) در سخن دارد.

- هدف علامه از اقتباس کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز هر باب دفتر دل از یک سو تبرک و تیمن و از سوی دیگر نکته‌پردازی است؛ یعنی اگرچه این کریمه به ظاهر نوزده مرتبه در دفتر دل تکرار شد، اما در هر باب معنایی خاص و جلوه‌ای ویژه دارد و در هر جا با کلید «بسم الله الرحمن الرحيم» خزینه‌ای از خزائن دل عارف گشوده می‌شود، البته بسم الله در باب اول همانند بسم الله سوره فاتحه دارای مقام اطلاقی است؛ یعنی عارف با این بسم الله در مقام «کن» قرار می‌گیرد و همه چیز برای وی محقق می‌شود ولی بسمله در ابواب دیگر همانند بسمله سایر سور قرآنی هر یک برای امر خاص و ویژه‌ای است.

- علامه در گزارش آیات و روایات، عموماً به تفسیر صرف اکتفا نمی‌کند، بلکه اغلب به تأویل (تفسیر انفسی) آن می‌پردازد؛ یعنی به لایه‌های درونی آن راه می‌یابد و پیام‌های پنهانی و معنایی نو می‌آورد. اثرپذیری تأویلی ایشان نیز اغلب به صورت اطناب است.

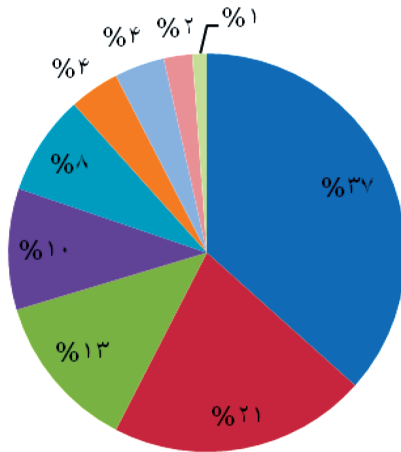
## نمودارها

■ احادیث ■ آیات



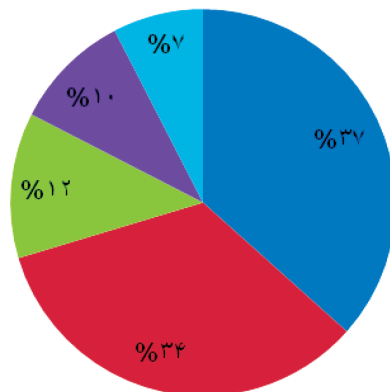
نمودار ۱. میزان بهره‌گیری از آیات و روایات

ترجمه بسته ■ ترجمه باز ■ تفسیر ■ حل ■ اقتباس ■ تأویل ■ برآیندسازی ■ وام‌گیری ■ تلمیح



نمودار ۲. بسامد شیوه‌های اثرپذیری از آیات و روایات به تفکیک محورهای اصلی

کزارشی ■ کزاره‌ای ■ واژگانی ■ تلمیح ■ تاویلی



نمودار ۳. بسامد شیوه‌های اثرپذیری از آیات و روایات به تفکیک زیرمجموعه‌ها

## یادداشت‌ها

۱. إِنَّ مِنَ الشَّعْرِ لِحِكْمَةٌ.
۲. جمله «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كُنُوزٌ تَحْتَ الْعَرْشِ مِفْتَاحُهُ لِسَانَ الشُّعْرَاءِ» در منابع معتبر روایی امامیه یافت نشد؛ اما با اندکی تفاوت در متن عربی، در کتاب‌های «نفائس الفنون فی عرائس العیون» تألیف: شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۱) و «تعلیقات حدیقة الحقیقة سنایی»، اثر: مدرس رضوی (۱۳۴۴، ص ۷۵) مشاهده گردید.
۳. اما در خصوص تأثیر قرآن کریم و حدیث بر زبان و ادب فارسی تاکنون پژوهش‌های مستقلی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌هایی همچون: «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» (محمد راست‌گو)، «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» (علی اصغر حلبی)، «در قلمرو آفتاب (مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی)» (علی محمد مؤذنی)، «در دل‌و آفتاب (گفتاری در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی)» (حسن جعفری تبار) و ... همچنین مقالات متعددی چون: «کلام پروردگار در غزلیات خداوندگار مولانا (نگرشی بر تجلی قرآن در غزلیات شمس)» (حسن حیدری)، «تحلیل کارکردهای آیات قرآن در اشعار شاه نعمت‌الله ولی» (محسن ذوالفقاری، حجت‌الله امیدعلی) و ... اشاره کرد.
۴. واژه را در اینجا در مفهومی گسترده‌تر به کار می‌بریم تا ترکیب‌ها را نیز فراگیرد.
۵. برای مشاهده موارد بیشتری از اقتباس‌ها و انگیزه‌های کاربست آن رک: نکته‌پردازی ص (۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۸ و ۲۸۸)، تبرک و تیمن ص (۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۷۸ و ۲۸۸)، تفسیر و تأویل ص (۲۵۵، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۸)، توضیح و تبیین ص (۲۵۵، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۸۴)، استشهاد و استناد ص (۲۷۶ و ۲۸۴)، تعلیل و توجیه ص (۲۶۹، ۲۷۹)، تحریض ص ۲۷۴، تحذیر ص ۲۸۳، تهدید ص ۲۸۲، تأیید و تأکید ص ۲۸۴ و هنرنمایی و شگرف‌کاری ص ۲۷۶ و ...

۶. برای مشاهده شواهد بیشتر، رک: ص (۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱).
۷. شاهد دیگر رک: ص ۲۷۳.
۸. مشاهده موارد بیشتر، رک: ص (۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۳).
۹. سایر شواهد، رک: ص (۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۹۰).
۱۰. شواهد بیشتر رک: ص (۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۹۱).
۱۱. برای مشاهده موارد دیگر رک: ص (۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱).